

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین
المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

عرض کنم که اصل بحثی را که مرحوم شیخ در این جا مطرح فرمودند راجع به این که آیا قبول بر ایجاب مقدم می شود یا نه؟ آیا باید اول ایجاب باشد و بعد قبول؟ یا نمی شود؟ و عرض کردیم که این بحث نکات مختلفی دارد یعنی تقدم ایجاب بر قبول یک چیز است، این که آیا قبولی است که مقدم شده یا نه اگر ما حتی قبول را اول آوردیم در حقیقت ایجاب است ولو لفظ قبول را مثلاً اشتریت به عنوان لفظ قبول است، بعثتک هذا الكتاب آن هم بگوید اشتریت اما اگر مشتری اول گفت اشتریت این قبول نیست که بر ایجاب مقدم شده است، این اصلاً خودش ایجاب است، این که گفت اشتریت منک الكتاب بكذا این خودش ایجاب است، یک تصور دیگر هم این است، حالا این بحث هایش را عرض کردیم باید ادامه بدهیم تا روشن بشود و مرحوم شیخ یک تفسیری بین الفاظ قبول دادند و صحبت های دیگری که در این جهت فرمودند.

عرض شد که در این کتاب سنهوری که عرض کردم کتاب مال پنجاه شصت سال قبل است اما چون به عنوان تفسیر قانون مصر است و به مناسبتی متعرض به مواد قانونی که تا آن زمان در غرب بوده ایشان متعرضش شده و هنوز هم که هنوز است به عنوان یک کتاب علمی در این رشته چون مطالب قبلی، البته نتایج که تا الان فرق کرده و تحلیل ها، ما به اندازه همین مقداری که مثلاً در غیر از دنیای ما هم این مسائل مطرح شده و از زوایای مختلف و آثار مختلف، از این جهت گفتیم یک مقدار از این کتاب سنهوری در جلد اولش ایشان به عنوان المتعاقدان فی مجلس واحد، به مناسبتی ایشان می گوید ما باید در سه بحث بکنیم، صدور ایجاب، اقتران ایجاب به قبول و حالات خاصه در قبول لذا ما گفتیم برای آشنا شدن با بحث خودمان یک مقداری از مباحث ایشان را، خیلی هایش را حذف کردم، یک مقداری می خوانیم، یک مقدارش هم از بحث ما خارج است، از بحث این که آیا تقدم قبول بر ایجاب لکن این تاثیرگذار در آن نتیجه گیری است، چون در نتیجه گیری تاثیرگذار است بنده متعرضش شدم.

مثلا اقتران الایجاب بالقبول، این که مثلا باید قبول بعد از ایجاب باشد، این را عرض کردیم این مراد این است که اگر ایجاب آمد و قبل از این که قبول بیاید گفت فسخ کردم، مثلا گفت بعثک الكتاب بكذا هنوز آن قبلت نگفته گفت من فسخ کردم یا مثلا خانمی گفت زوجتک نفسی هنوز مرد نگفته قبلت یا وکیل مرد خود آن بگوید فسخ کردم، برگشتم، این را ایشان بحثی که ایشان دارند مفصلا متعرض شدند، بعضی از نکات را هم ایشان گفتند من به نحو اجمال آن نکات را خواندم ان شا الله تعالی بعد چون مرحوم شیخ هم این بحث را دارد یعنی مرحوم شیخ در این مکاسبی که من می آورم چاپ جدید در صفحه ۱۷۸، البته شیخ مسلم گرفته، این علمای ما هم بعضی هایشان را که من دیدم، همه اش را نگاه نکردم، بعضی از علمای ما مسلم گرفتند که با رجوع موجب بر می گردد یعنی دیگه نمی ماند، زائل می شود، و عرض کردیم آن سرّ اساسیش سر این جهت است که آنی که ما وجوب وفاء داریم عقد است، اگر ایجاب را انجام داد هنوز قبول نیامده اصلا این عقد نیست، عقد شدنش به این است که قبول بیاید، تا قبول نیاید عقد نیست لذا سه تا نظریه ایشان نقل کردند دیگه من فعلا به اندازه نقل نظریه، یکی اراده منفعله به تعبیر ایشان، بگوییم همین اراده در ایجاب کافی نیست که دیگه حق رجوع نداشته باشد، همین که گفت بعثک دیگه حق رجوع ندارد، همین که گفت زوجتک نفسی حق رجوع نداشته باشد.

پرسش: اراده اش یا گفتارش؟

آیت الله مددی: نه اراده ای که کرده

دو نظریه العقد الضمنی به تعبیرایشان، بگوییم در خود ایجاب ضمنا قبول هم هست لذا ایجاب تنها هم یک نوع عقد است، این هم یک راه دوم. عرض کردم امروز نمی خواهم توضیح بدهم حالا فقط من دارم می گویم ان شا الله یاد مبارکتان باشد وقتی رسیدید آن جا که شیخ عبارت دارد صفحه ۱۷۸ فکر می کنم در این چایی که دست من بود یک نصف صفحه هم کمتر آن جا شیخ متعرض این مطلب شده.

یکی هم نظریه المسؤولية التقصيرية، این نظریه المسؤولية التقصيرية اصطلاحا این است که اگر بگوییم ایشان حق رجوع ندارد، حق فسخ ندارد نه به خاطر نکته امر اعتباری که ایجاب باشد، ایشان اقدام کرده بر یک عمل، آمده این کار را فروخته خود این اقدام به

لحاظ اقدام مشکل درست می کند چون ممکن است مشتری جنس دیگری می خواسته بخرد، وقتی که این آقا گفته می خواهم بفروشم دیگه آن را نخریده حالا در ضرر واقع شده، دقت فرمودید؟ یعنی نه به لحاظ عقد بلکه به لحاظ حالا ما فارسی می گوئیم اقدام مجرمانه، خود اقدامش مسئولیت دارد و مراد از مسئولیت یعنی صلاحیت دادگاهی شدن دارد، خود اقدام نه خود عقد و من این مطالب را باید یک توضیحی بدهم ایشان سه تا عنوان آورده، توضیح عرض بکنیم که این ها کدام یکیش قابل قبول است و ما طبیعتاً ما هم وارد شدیم یعنی ممکن است که ما ها وارد بشویم لکن نه از باب مسئولیت تقصیری اقدام مجرمانه، یک نکته ای که باز به خود ایجاب، به همان اعتبار برگردد، فعلاً این قسمت را بنده متعرض نمی شوم باشد تا برای بعد

عرض کنم که بعد ایشان متعرض اصولاً چون این بحثی که الان شد بحث این که ایجاب رفع ید بکند ایشان متعرض می شود که به حساب خلاصه بحث که ما این بحث را باید بعد انجام بدهیم، این که ایجاب اصولاً در دو صورت از بین می رود یا خودش فسخش بکند یا مجلس عقد به هم بخورد. مثلاً گفت این کتاب را به شما فروختم به ده هزار تومان، تا قبول بگوئید یک کسی آمد این را به زور از اتاق بیرون آورد، هنوز قبول نگفت، این ها بحثشان این است که اگر این حالت پیدا شد مجلس عقد به هم خورد، خوب دقت بکنید، اگر بعد هم بخواهد این بیاید بگوئید من قبول کردم این در حقیقت ایجاب جدید است، این قبول عقد سابق نیست، با انحلال مجلس عقد این به هم می خورد، این در بحث انحلال مجلس عقد که ایشان باز یک بحث مفصلی دارد در این جهت و این که مثلاً چرا انحلال مجلس عقد و یک بحث دیگه هم در ضمنش دارد که من این مباحث متنوع را بحث می کنم که آن مسئله اصلی خودمان باز فراموش نشود، آیا قبول باید فوری باشد یا نباشد؟ بحث فوریت قبول را هم مطرح می کند که مثلاً اگر ایجاب صادر شد قبول باید فوری باشد، اگر فوری نبود فاصله پیدا کرد ولو فسخ نکرده، ولو مجلس عقد به هم خورده، نشست گفت این کتاب را به شما به صد تومان فروختم، ایشان جواب نداد، ده دقیقه بعد گفت کتاب را خریدم به صد تومان، می گویند نه این که گفت خریدم ایجاب جدید است، همین که فاصله افتاد این ایجاب جدید است، این که دیگه عقد سابق نیست، قبول عقد سابق نیست، قبول ایجاب سابق نیست، این عقد جدید حساب می شود.

.....
حالا ایشان در بحث چون عرض کردم کتاب اساسا شرح

پرسش: اگر ایجاب جدید باشد این ایجاب را دوباره باید بگویند

آیت الله مددی: آهان، اگر این را قبول کردیم مثل قبول مقدم یا، این نکات فنی را من عرض می کنم

آن وقت ایشان چون شرح قانون مصر است یک مقدار راجع به قانون قدیم مصر نوشته، یک مقدار قانون جدید و ایشان تصریح هم می کند که به اصطلاح، حالا شروطش و بحث هایش چون این مربوط به ما نیست من فقط برای آشنائی شما مطرح می کنم و آن نکات فنی ای که محط نظر است الان در نظر می گیرم، ایشان چون یک بحثی هم که می کند این است که بگویند قانون مصر چه قدیمش و چه جدیدش از کدام مذهب اسلامی گرفتند، این نکته ای است، ایشان یک شرحی دارد چون وقتی بحث مسئله مذاهب اسلامی می شود می گویند نحن هنا، این عبارت ایشان را می خوانم چون نکته فنی دارد به درد کار فقهی ما می خورد. حالا دیگه کار به قانون مصر نداریم

نأخذ بالمذهب الحنفی، این جا عرض کردم مصر قاعدتا شافعی اند، مالکی هم زیاد دارد، حنفی هایشان بعد از سیطره آل عثمان، عثمانی ها بر دنیای اسلام

و هو المذهب الذي قصد القانون الجديد أن يستفيد منهم في هذه المسألة

چون عرض کردم یک تفکری در آن ها هست که ما می توانیم مواد قانونی را از مذاهب مختلف بگیریم، می گویند این جا را از حنفی گرفتند.

و قد اختلفت الحنفية مع الشافعية في ذلك

من این تقریبا عبارتش را کامل می خوانم به خاطر نکات فنی ای که مربوط به فقه خودمان است، مربوط به عالم مکاسب خودمان است

فالحنفية يرووه كما قدمناه جوازَ القبول ولو تراخى عن الإيجاب.

یعنی می گویند فوریت لازم نیست، این آقا گفت بعثک الکتاب نشستند، نیم ساعت بعد گفت اشتریتُ منک الکتاب، می گوید حنفیه گفتند اشکال ندارد درست است، ایشان نقل

من الان خودم مراجعه مستقیم، البته ایشان از بدائع الصنائع کاسانی نقل می کند، چند دفعه عرض کردم این کتاب بدائع الصنائع بسیار کتاب خوبی است، در فقه حنفی است و بسیار کتاب خوبی است، تحلیلات قشنگی هم دارد، واقعا خیلی کتاب قابل استفاده ای است، من ایامی که نجف بودم بیشتر استفاده می کردم تا حالا، حالا کتاب را دارم اما کمتر بهش مراجعه می کنم، انصافا کتاب نفعی است این کتاب بدائع الصنائع کاسانی بسیار کتاب نفعی است مخصوصا من یک چاپی در نجف داشتم که احادیش هم خیلی قشنگ استخراج کرده بود نکات فنی دیگری هم داشت.

و قد اختلفت الحنفية مع الشافعية في ذلك فالحنفية يروون كما قدمنا جواز القبول ولو تراخي عن الايجاب مادام قد صدر في مجلس العقد، مجلس عقد به هم نخورد، نه از هم جدا بشوند، مادام هر دو نشستند گفت بعثک الکتاب یا مثلا گفت زوجتک نفسی بعد بیست دقیقه شوهر، مرد گفت قبلتُ، کافی است، اختصاص به بیع هم ندارد، ما فعلا در بیع مطرح می کنیم لکن اختصاص به بیع ندارد، خوب نکات فنی را دقت بکنید، می گوید مادام مجلس عقد به هم نخورده آن صلاحیت ایجاب می ماند، ضرورت ایجاب از بین نمی رود، مشکل چیست؟ مشکل کسانی که می گویند ایجاب، می گویند عقد امر اعتباری است، امر اعتباری ایقاعی است، نمی شود نصفش الان بیاید نصفش بیست دقیقه دیگه بیاید و عقد قیامش به طرفین است نه به یک طرف واقع، اگر قیامش به طرفین است اگر ایجاب آمد قبول هم باید بیاید تا عقد بشود، آن وقت اوفوا بالعقود بگیردش، اگر می خواهد اوفوا بالعقود بگیرد اول باید عقد باشد تا اوفوا بالعقود بگیردش، ایجاب تنها عقد نیست

پرسش: همان موقع نیست، بعد بیست دقیقه شد عقد

آیت الله مددی: می گویند در باب ایقاعات این طوری است، باید صریحا ایقاعش بکند، ایجادهش بکند. یعنی بعثک اخبار نیست، نمی خواهد بگوید من اراده کردم کتاب ملک تو باشد، ببینید اگر گفت من اراده کردم کتاب ملک تو باشد آن هم بعد از بیست دقیقه می

گوید من هم اراده کردم صد تومان بهت بدهم، دقت کردید؟ ما این را مفصل شرح دادیم که آیا عقد ابراز است یا ایقاع است؟ این تفکر می گوید عقد ایقاع است، اگر ابراز بود صحیح، الان گفت آقا من این را ملک تو کردم خیلی خب بیست دقیقه هم گذشت، خب اراده که داشت، آن هم بعد از بیست دقیقه گفت قبول کردم، این مبنی بر این است که عقد ابراز باشد اما اگر عقد را ایقاع گرفتیم پس این باید درست بشود، نصفش الان بیاید مرحوم آقای نائینی هم یکی از اشکالات نائینی این بود که عقد نمی شود انشایش تدریجی باشد، اشکال نائینی هم همین بود، خوب دقت می کنید؟

پرسش: چه اشکال دارد عرف این را بپذیرد

آیت الله مددی: معلوم نیست عرف این جا قابل قبول باشد

اما الشافعية، دقت بکنید

فیشرطون الفور فی القبول

ببینید شافعی در اوائل قرن سوم است، نائینی هم در کتابش تقریباً همین را دارد، می گوید فاصله نمی شود، تدریجی نمی شود.

و اما الشافعية فیشرطون الفور فی القبول فإذا لم يصدر القبول فوراً سقط الإيجاب، آن دیگه ایجاب به درد نمی خورد، اگر گفت بعثک خیلی عجیب است، مطلبی در قرن سوم گفته، نائینی هم در قرن سیزدهم می فرمایند، نائینی هم می گوید تدریجی نمی شود، انشاء تدریجی نمی شود، باید آنی پیدا بشود. نمی شود عقد نصفش الان بیاید نصفش بعد، این عقد نمی شود. عقد که نشد وجوب وفاء ندارد.

اما الشافعية فیشرطون الفور فی القبول فإذا لم يصدر القبول فوراً سقط الإيجاب ولو لم يرجع فيه الموجب

ولو موجب فسخ نکرده، مجلس عقد هم برقرار است، لم يرجع یعنی فسخ نکرده.

و لكنهم فی الوقت ذاته يقولون بخيار المجلس فيجوز للموجب له، موجب له را عرض کردم مراد قابل است، ایشان تعبیر موجب له می

کند، موجب مرادشان آن کسی است که انشاء می کند، موجب له هم مرادش قابل است

.....
فیجوز للموجب له أن يرجع فی قبوله قبل انفضاض مجلس العقد

خوب دقت بکنید، این چه ظرافتی است، شافعی می گوید به لحاظ خود عقد باید فوراً باشد، بله اگر گفت بعتک، آن هم فوراً گفت قبلتُ لکن نشستند، دو ساعت هم نشستند در مجلس، می تواند طرف دوم یا اول فسخ بکنند لکن این به خیار مجلس است نه به خاطر فاصله بین ایجاب و قبول، ظرافت را دقت کردید؟ عقد به کی درست می شود؟ که قبول به ایجاب بچسبد، آن وقت می شود عقد، اما همین عقد را شارع اجازه داده مادام مجلس به هم نخورده برگردد، خوب دقت بکنید، نه این که ایجاب برگردد، روشن شد نکته فنی کجاست؟ حالا این چرا این مطلب را شافعی گفته؟ به خاطر این که شافعی حدیث البیعان بالخیار را قبول دارد ولی ابوحنیفه قبول ندارد، نکته فنی این است، ابوحنیفه می گوید اگر عقد بسته شد دیگه ولو در مجلس باشند این حق فسخ ندارد، ایشان البیعان بالخیار را قبول ندارد. عرض کردم یکی از اعتراضات مهم مهم مخالفین ابوحنیفه که یک مقداری شافعی ها هستند، یک مقداری حنبلی ها هستند، یک مقداری ها هم مالکی ها هستند، یکی از اشکالات معروف مخالفان ابوحنیفه همین خیار مجلس است، حتی نقل کردند که مثلاً ابوحنیفه گفت که خیار مجلس ندارد، بهش گفتند قال رسول الله البیعان بالخیار فقال هش هش، این طور نقل می کنند، این در تاریخ بغداد آمده یعنی نقل می کردند که اصلاً اهانت می کرده به حدیث رسول الله، وقتی حدیث را هم خواندند گفته هش هش، این طور در کتاب است، این عین عبارت حدیث است که من برایتان نقل می کنم، در این کتاب تاریخ بغداد آمده. علی ای حال یکی از اشکالات معروف به مذهب ابوحنیفه همین است که ایشان بیعان را به معنای، ایشان می گوید بیعان بالخیار وقتی مشغول صحبت اند، اما عقد شد دیگه لازم است. وقتی مشغول چانه زدن و صحبت است مراد مشرفان علی البیع نه بیع، بالفعل بیع باشند، مشغول صحبت و چانه زدن اند، آن وقت می توانند برگردند اما اگر عقد کردند دیگه حق رجوع ندارند

پس دقت کردید چه نکته فنی شد؟ آن می گوید شما ایجاب را الان بیاورید، قبول را بعد از نیم ساعت بیاورید، و می توانید مادام قبول نیاوردید رفع ید بکنید، مگر مجلس به هم بخورد.

پرسش: مشغول صحبت هستند این یعنی ابوحنیفه این جوری حدیث را تقریر کرده یا اصلاً قبول نکرده؟

آیت الله مددی: می گویند این جور گفته، احناف این طور نقل کردند

پرسش: اگر حدیث را قبول ندارد دیگه تحلیل کردن ندارد

آیت الله مددی: نه می گوید، آن یک فضا نقل کردند که مسخره می کرده، یک فضا نقل کرده که نقض می کرده، گفته خیلی خب اگر این یک کتابی به طرف بدهد هر دو سوار یک کشتی اند، شش ماه در دریا ماندند باید بگویند شش ماه عقد متزلزل است، می گویم چند جور نقل شده، می گویم چون این فتوایش خیلی شاذ بوده انحاء مختلف نقوض، این جور هم گفتند که ابوحنیفه گفته، خب این جوابش خیلی واضح است اسقاط خیار می کنند، دیگه خیار که جز احکام اولیه نیست، نمی خواهد شش ماه در کشتی باشند چکار بکنند، بگویند شش ماه بگوئیم عقد متزلزل است؟ عقد جائز است و لازم نیست؟ این هم ازش نقل کردند، آن هس هس را هم که عرض کردم ازش نقل کردند، در کتب احناف هم آمده، حالا نمی دانم فتوای ابوحنیفه، من در کتب احناف دیدم که مراد از بیعان یعنی مشرفان علی البیع نه خود بیع، مشغول صحبت و مقاوله به قول آقایان، مفاوضات و مقاولات و این ها به قول مرحوم نائینی.

پرسش: عقدی صورت نگرفته

آیت الله مددی: بله عقدی صورت نگرفته لذا مجاز گرفته، علاقه عول و مشارفه به قول آقایان، خیلی عجیب است

پس بنابراین این اختلاف این دو تا مذهب را خوب دقت بکنید، البته ایشان نقل می کند و تحلیل هم نمی دهد، حالا ما یک تحلیلی هم خدمتان عرض می کنیم

و لكنهم فی الوقت یقولون بخیار المجلس فیجوز للموجب به برای قابل

أن یرجع فی قبوله قبل انقضاء مجلس العقد و من ثم اصبح مذهب شافعی بفضل هذه السیاقه الفنیة معقولا

ایشان می گوید عقلائی تر است این حرف شافعی، چرا؟ چون می گوید تا ایجاب آمد قبول باید بیاید، این عقد که تمام شد مادام در مجلس است می تواند فسخش بکند. دقت بکنید!

ابوحنیفه می گوید نه اگر ایجاب آمد می تواند قبول را تا نیم ساعت مادام در مجلس است عقب بیندازد، این همین جور متزلزل است، می تواند تا نیم ساعت دیگه بعد قبول بکند، این فرق بین دو تا مذهب روشن شد. خود ایشان فکر می کنم شافعی باشد.

پرسش: در ذهن شافعی ها این نبوده که همین که قبول را نمی گوید یعنی قبول ندارد، نمی خواهد معامله را

آیت الله مددی: خب ایشان می گوید اگر فاصله انداخت ایجاب باطل می شود. ایجاب فاسد می شود نه این که خیار دارد، ایجاد اما اگر ایجاب آمد قبول هم آمد تا مادام نشستند حق خیار دارد، نه فاسد می شود.

پرسش: با فاصله کم قبول را

آیت الله مددی: من این ها را بحث می کنم چون الان این ها در حقیقت می خواهند از همین مذاهب اسلامی هم در قانون ببرند و هم می خواهند تحلیل عقلائی بدهند، من می خواهم جو محیط عقلائی روشن بشود، ایشان می گوید اصبح هذا المذهب، با این طرح فنی ای که ریخته، با این یساق خودش به اصطلاح زرگری که می گویند مثلاً درست می کند، سائق هم به همان می گویند، با این نقشه ای که ایشان ریخته این خیلی معقول می شود.

و اصبح الفرق بینه و بین المذهب الحنفی محدود المدی من الناحیه العملیه

از ناحیه عمل محدود است، البته انصافاً فرق می کند، خیلی فرق می کند، محدود هم نیست

ابوحنیفه می گوید عقد هنوز نشده و لذا می تواند برگردد، چون عقد نشده، شافعی می گوید اول باید ایجاب و قبول بیاید تا عقد بشود، بعد از عقد مسئله خیار هست، خوب دقت بکنید!

پرسش: ولی خب بالاخره می تواند برگردد به خاطر خیار

آیت الله مددی: بله آن بحث دیگری است، حالا اجازه بدهید من توضیح بدهم تا روشن بشود که ایشان با دقتی که کرده نتوانسته، خب چون ایشان کارش قانون بوده کار آخوندی ما را نتوانسته انجام بدهد.

فالحنفیه یقولون إن الموجب له یعنی قابل

.....
يستطيع أن يؤخر قبوله إلى ما قبل انفضاض المجلس

إنفضّ به معنای به هم خورد، انتقضا نه، انفضاض، انفضاض همزه و نون و فاء و ضاد، اخت الصاد، و الف و ضاد، انفضاض یعنی به هم

خوردن مجلس، به هم پاشیدن مجلس

يؤخر قبوله إلى ما قبل انفضاض المجلس و الشافعية يقولون بل يجب أن يقبل فوراً و لكنه يستطيع الرجوع في قبوله إلى ما قبل

انفضاض المجلس

می تواند در رجوعش عدول، نه اعمال حق است، رجوع در قبول نیست، اشتباه کرده ایشان. اعمال، اصلاً خيار را عرض کردیم خيار

یک حقی است، توضیح حق و حکم هم گذشت، یک حقی است که به شخص داده می شود و متعلق به عقد است، خوب دقت بکنید!

اصلاً خيار متعلق به عقد است، یعنی یک عقدی باید تصویر بشود،

ملك و فسخ سلطنة فسخ العقد

قدرت این که این عقد را از هم جدا بکند، این قدرت بهش داده، این بحث رجوع در قبول نیست، موجب هم می تواند برگردد، حق

خيار مال هر دو است، البيعان بالخيار نه این که خيار مال یکی باشد، ایشان چسبانده به موجب له

اما المذهب المالكي، عرض کردم من فعلاً نسبت به مذاهب نمی دهم چون مراجعه مستقل نکردم اگر این نقل ایشان درست باشد،

اما المذهب المالكي فيشترط الفورية می گوید باید قبول فوراً بعد از ايجاب باشد

كالمذهب الشافعي و يمنع خيار المجلس كالمذهب الحنفي لذا طبيعاً این مذهب ديگه از این دو تا مبناً را کم می کند، می گوید اولاً

اگر ايجاب آمد، خوب دقت کردید، سریعاً باید فوراً قبول بیاید و اگر هم قبول آمد عقد شد ديگه حق فسخ ندارد، خيار مجلس را قبول

نداریم. من هم تا حالا نمی دانستم، عرض کردم هی می گویم از این کتاب، تا حالا در ذهنم نبود که مالکی ها مگر عده ای از مالکی

های بعد باشد، اصلاً مالک حديث البيعان را قبول نکرده باشند، مالکی ها خيار مجلس را قبول نکرده باشند.

بعد ایشان خوب دقت بکنید كالمذهب الشافعي و يمنع الخيار المجلس كالمذهب الحنفي، این جمع بین این دو تا

بعد ایشان این را می گوید

و هذا هو مذهب القوانين الحديثة، ایشان می گوید قوانین امروز هم همین را می گویند، حرف مالکی را می گویند یعنی ایجاب باید بیاید، فوراً هم قبول بیاید حق فسخ هم ندارد هیچ کدامشان، نه بائع و نه مشتری، ایشان می گوید و هذا هو المذهب القوانين الحديثة و لم يخترعه القانون الجديد، اما مراد ایشان از قانون جدید، قانون جدید مصری، عرض کردم فراموش نکنید، هر جا ایشان جدید و قدیم می گویند نظرش به قانون مصر است چون این کتاب اساساً شرح قانون مصر است اساس، وقتی گفت القانون الجديد یعنی قانون جدید مصر

لكن در مصر این رای را قبول نکردند رای مالک را

لما ينطوى عليه من ضيقٍ و حرجٍ

چون این موجب سختی می شود، چون وقتی دست طرف باز باشد راحت تر است برای تصمیم گیری به این که به او محدود بکنیم پس نظر، نمی دانم مطلب روشن شد؟ ایشان از این راه وارد شده لکن تحلیل مطلب، من عرض کردم یکی از مبانی، یکی از مسائل مهم به تعبیر قرآنی علمه البیان آن تحلیل و تفکیک مطلب است، در این جا این سه تا مذهبی که ایشان نقل کرده علی تقدیر صحت، این اشکال من در مالک است، در حنفیه و شافعیه قبول دارم، در مالک این حرف را زده باشد الان فعلاً برای من روشن نیست، دقت بکنید، در این جا یک جمعی شده، یک نکته ای که پیش آمده یک تلفیقی شده بین تعبد و بین حکم عقلانی، آن نکته فنی این است. تعبدش کجاست؟ خیار مجلس است. چون عرض کردیم کرارا و مرارا انصافاً حق با ابوحنیفه است، اگر البیعان نباشد خیار حسب الخلاف قاعده است، اصلاً عقد در زندگی انسان آمد برای این که ترتیب آثار را با لفظ بدهد، اصلاً عقد برای این است. بگویم شما گفتید من کتاب را فروختم آن هم گفت قبول کردم، تا نیم ساعت هم نشستید حق داریم فسخ بکنیم خب خلاف عقد است خب، اصلاً مفهوم عقد در بین عقلا این مطلبی را که ابوحنیفه می گوید روی قواعد عقلی و عقلانی همین است، این تعبد آمده، خیار مجلس تعبد

آمده، و الان هم شاید در عرف ما در همین اجتماع ما نشسته باشند می گوید من برگشتم، می گوید نه دیگه معامله تمام شد، اصلا شاید هم مردم عادی ما هم خیار مجلس را ملتفت نشوند مگر از رساله عملیه بگیرند.

پرسش: برای این که بیشتر از این هم شده مثلا یک وسیله ای را می فروشد می گوید سه چهار ساعت شما مهلت دارید

آیت الله مددی: خب این شرط است، نه بدون شرط. آن که یک ماه فرصت بدهد، نه بحث بدون شرط است، می گوید فروختم می گوید خریدم، نشستیم می گوید برگشتم یعنی چی برگشتی؟ تو فروختی دیگه، برگشتم یعنی چی؟ پس این که ایشان می گوید قوانین جدید، خوب دقت بکنید من می خواهم توضیح بدهم، این که ایشان می گوید قوانین جدید این را قبول کردند حق با ایشان است چون قوانین جدید خیار مجلس را قبول ندارند، خیار مجلس عقلائی نیست، خیار مجلس تعبدی است، اما آن مسئله که باید مسئله قبول فورا بعد از ایجاب باشد این عقلائی است یعنی این و این عقلائیتش به خاطر صدق عقد است، عقد به تعبیر خود ایشان توافق ارادتين است، لکن توافق، تعبیری که غربی ها دارند توافق ارادتين است، آقای خوئی التزامین مربوطین، جمع بین التزامین مربوطین تعبیر کردند، در تعبیری که الان در این قوانین جدید است توافق ارادتين است، و عرض کردیم این توافق ارادتين هم کافی نیست، ایقاع توش، اگر بحث توافق ارادتين است این دو تا ارده باید به هم متصل بشوند، آقای خوئی هم در این مسئله ای که حق رجوع ندارد از این راه، می گوید اگر ایجاب را گفت هنوز دو تا اراده به هم جمع نشدند، وقتی قبول گفت دو تا اراده جمع می شوند پس اگر تنها گفت بعث می تواند برگردد، تا مادام آن قبول نکرده برگردد، البته عرض کردیم در همین کتاب بعضی ها قائلند که این اراده منفرد هم کافی است برای این که نتواند برگردد لکن بنای این که ایشان هم نقل می کند بنای متعارف این است مادام اراده، اراده منفرد باشد عقد نیست، عقد توافق ارادتين است

پرسش: استاد عقد نباشد، این هم که برنگشته، بعد از یک ربع آن یکی دیگه هم می آید

آیت الله مددی: نه اصل مطلب، اصل مطلب فاصله بین دو تا،

پرسش: خب فاصله اش دیگه، من هنوز برنگشتم، ایجاب را گفتم

آیت الله مددی: خب می گوید نمی شود.

پرسش: نیم ساعت بعد طرف، بعد هنوز اراده ام هست، هنوز ابراز هم هست، هنوز ایقاع هم هست، آن که گفت تکمیل می شود

آیت الله مددی: ایقاع کردم عقد را، آن که نگفت این که ایقاع نمی شود چون در ایقاع نکته ایقاع این است که در ایقاعات چیزی

نیست، نکته اساسیش این است، شما هستش می کنید، آن چیزی که نیست عقد است، آن چیزی که نیست توافق ارادتین است، شما

باید این توافق ارادتین را هست بکنید

پرسش: خب یک طرفش دست من است، آن طرف یک مقدار صبر می کند

آیت الله مددی: خب صبر کرد دیگه ارادتین نشد، این که ایشان می گوید در قوانین جدید این حرف را می زنند.

پرسش: ایجاد ناقص می شود

آیت الله مددی: ایجاد ناقص می شود

به قول مرحوم، این مطلبی را که ایشان می گوید مرحوم نائینی هم می گوید، می گوید در امور انشائی تدریجی نمی شود باشد، آنی

باید باشد،

پرسش: مثل مطاوعه است

آیت الله مددی: آهان مثل آن است، مثل کسرت الکوز فانکسر، دقت کردید؟ پس این توافق این چون نکات کلی بحث است عرض

کردیم این را می گویم برای این که بعد قبول باید بعد از ایجاب باشد این مقدمه آن بحث بشود

پس آن نکته اساسی را خوب دقت بکنید، آن نکته اساسی در حقیقت این است، این مطلبی که ایشان نقل می کند، این مطلبی که

ایشان از مذاهب ثلاثه نقل کرده یک جمع است بین یک حکم عقلائی با یک تعبد شرعی، تعبد شرعی خیار مجلس، حکم عقلائی این

توافق ارادتین، توافق ارادتین این باید همزمان انجام بگیرد، اگر شما ایجاب را آوردید بعد از بیست دقیقه قبول آمد این نشد، توافق

ارادتین نشد، چرا؟ چون نبود، شما می خواهید هستش بکنید، هستش هم به ارادتین است، شما ایجاب کردید ارادتین نشد، اراده واحده

است لذا ایشان می گوید قوانین جدید این را قبول کردند، روشن هم هست، ایشان تحلیل نداد، من تحیل را عرض کردم، قوانین جدید
خیار مجلس قبول نکردند، قوانین جدید روی حساب عقلائی آمدند گفتند چون توافق ارادتین می خواهیم ابراز ارادتین کافی نیست،
توافق، اخبار نیست، اگر شما فاصله گذاشتید خبر می شود، مثلاً گفتید بعثک الکتاب، بعد از نیم ساعت کانما شما خبر دادید من اراده
دارم، آن هم گفت اشتریت، می گویم بله شما اگر اخبار گرفتید معقول است اما اگر بنا شد شما ابراز بکنید یعنی چی؟ یعنی ایجاد
بکنید، این ایجاد چی می کنید؟ ارادتین، نه اراده واحده، توافق ارادتین را باید ایقاع بکنید

پرسش: این عرفی است دیگه، این که سه ثانیه اشکال دارد ولی هزار ثانیه اشکال دارد این دست عرف است

آیت الله مددی: خب عقلائی دیگه

پرسش: بله اگر عرفی واقعا هزار ثانیه را مشکل نداند آن جا هم عقد است

آیت الله مددی: نه عقد نیست، تصور شما از عقد عوض شد، مشکل این است، شما ایقاع نگرفتید، چون شما ایقاع نگرفتید، شما می
گویید ابراز من کافی است، من به شما می گویم من این کتاب را فروختم به ده تومان، شما نیم ساعت بعد، یک ساعت بعد می گوید
قبول کردم، چه مشکل دارد؟ چون اراده من بود

پرسش: همزمان نیستند که دو تا ایقاع

آیت الله مددی: نه ببینید.

پرسش: بالاخره یک ثانیه هم که شده بینشان فاصله است

آیت الله مددی: ببینید یک چیزی هست چون خود لفظ از مقوله تدریجی الحصول است، یک دفعه به خاطر لفظ فاصله می افتد این
عرفی است، این مشکل ندارد. یک دفعه بعد از لفظ است، اضافه بر آن مشکل درست می کند، این که ایشان، اگر این مطلبی که
ایشان گفته درست باشد، من چون این را هم الان نمی دانم، عرض کردم ما به این کتاب به نظر آن چه که الان در دنیای غرب در

حقوق مطرح است نگاه نمی کنیم، چند دفعه گفتم، این را به عنوان این که در خارج از حوزه دینی مطرح شده، من فقط از این جهت نگاه می کنم،

ایشان می گوید و هذا هو مذهب القوانین الحديثة، این مذهب قوانین حدیثه اگر باشد نکته عقلائیش این است: یک باید ایجاب و قبول با هم متصل باشند، دو خیار مجلس هم ندارند

پرسش: منظور از ایقاع مگر انشاء نیست؟

آیت الله مددی: چرا دیگه

پرسش: این انشاء با فاصله باشد چه اتفاقی می افتد؟

آیت الله مددی: خب می گوید نمی شود دیگه، یعنی انشای چی بکند؟ انشای، اگر می خواهد انشاء بکند بگوید جئنی بماء، این انشا محقق می شود ولو آب را نیم ساعت بعد بیاورد اما اگر بخواهد انشاء بکند یعنی ایقاع بکند عقد را نه تملیک را، عقد پرسش: این فقط ایجاب را می تواند ایقاع بکند، غیر از این که نمی تواند ایقاع بکند، عقد را که نمی تواند ایقاع بکند که

آیت الله مددی: چرا، حالا آن نظریه عقد ضمنی را من ان شا الله اگر شرح دادم، سابقا هم گفتیم، ما عرض کردیم به نظر ما ایجاب تنها نیست، توش قبول هم هست، این که می گوید قبول ضمنی مرادش این است. چون در ایجاب تملک هم هست، فقط تملیک نیست، اما این تملکی را که او انشاء کرده این هنوز فعلیت پیدا نکرده مگر این که قابل بگوید لذا خوب دقت بکنید چون می گوید بعُتْک الکتاب بالف، یعنی من تملیک کردم در مقابل تملک هزار تومان از تو، این اگر بلافاصله انشاء نکرد این فاصله پیدا کرد این عقد محقق نشده، اشکال این است

پرسش: اگر پنج ثانیه هم فاصله باشد

آیت الله مددی: پنج ثانیه را عرض کردم یک بحث لفظ است، یک آب قورت می دهد این مشکل ندارد، این عرفیتش، این که ایشان هم می گوید اصلح معقولا مرادش این است یعنی عقلائی، این که ایشان می گویند عرفی. ببینید شما در حقیقت اگر دقت بکنید یک

تملیک و تملک، تملک حق شما نبود، تملک که حق شما نبود، من کتاب فروختم به هزار تومان، یعنی هزار تومان تو ملک من بشود، این که حق شما نبود که، تملیک حق شما بود، شما اگر می خواهید این کار تمام بشود آن باید بگوید بله قبول کردم، ببینید، پرسش: حاج آقا تانی هم اشکال ندارد

آیت الله مددی: تانی را عرض کردم، هن هن بکند مشکل درست

پرسش: شما می فرمایید باید کرنومتر بگذاریم یعنی یک میلیون ثانیه

آیت الله مددی: نه مقدار عرفی

پرسش: دلیلش این است که احتمال اعراض در این جا هست نه این که

آیت الله مددی: نه احتمال اعراض نیست، می گوید اصلا ایجاب نیست، عقد نیست، خوب دقت بکنید!

پرسش: مبهم ۳۵:۳۵

آیت الله مددی: نمی توانیم وقت بگذاریم، عرفی، باید عرفا قبول به ایجاب متصل بشود، تا این توافق ارادتین را ایقاع کرده باشد، خوب دقت بکنید، چون این چی گفت؟ گفت تملیک کردم در مقابل تملک، این را ایجاد کرد، اگر آن نگوید قبلت این تملک درست نمی شود، تملیک در تملک نمی شود، اشکال این است، این را ایشان تحلیل نفرمودند. نکته این است که پس ما جمع بکنیم بین دو مطلب، یکی این که شما بگویید مثلا حدیث البیعان اشکال دارد یا بگوییم این حدیث نکته عقلائی دارد، جمع بین دو نکته شده، یکی نکته عقلائی و یکی نکته تعبدی، شافعی ها در حقیقت این کار را کردند گفتند اگر ایجاب آمد قبول باید فوراً بیاید، اگر قبول آمد آن وقت عقد می شود. اگر عقد شد موضوع خیار مجلس می شود نه این که از ایجاب رفع ید کرده، نه این که قابل رفع ید کرده، نه این که قابل می تواند بعد رفع ید بکند، نه عقد شد هر دو می توانند فسخ بکنند، سلطنة ملک فسخ العقد، قدرت بر فسخ عقد دارند، مطلب روشن؟ آن قدرتی که این ها دارند و من فکر می کنم معروف بین اصحاب هم باید قاعدتا همین مذهب باشد

و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین